

زیر پوست جنگ

گردآوری و ترجمه:
وحید خضاب

جنگ تحمیلی به روایت:

صلاح عمر العبدی
[از اعضای شورای رهبری حزب سوسیالیست
و شورای انقلاب عراق]

حامد علوان الجبوری
[رئیس دفتر احمد حسن البکر و صدام
و وزیر امور خارجه وقت عراق]

نزار عبدالکریم الخزرجی
[رئیس ستاد مشترک ارتش عراق
در زمان جنگ با ایران]

سرشناسه: خضاب، وحید، ۱۳۶۶ - گردآورنده، مترجم

عنوان و نام پدیدآور: زیر پوست جنگ / خاطرات صلاح عمر العلی، خاطرات حامد الجبوری، نزار الخزرجی؛ مترجم وحید خضاب.

مشخصات نشر: تهران: نشر نارگل، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۹۹-۱۳-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: نمایه

موضوع: سیاستمداران - عراق - قرن ۲۱م - مصاحبه‌ها

موضوع: Interviews -- Iraq -- 21th century -- Politicians

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988

موضوع: عراق - سیاست نظامی

موضوع: Iraq -- Military policy

شناسه افزوده: عمر العلی، صلاح

شناسه افزوده: الجبوری، حامد

شناسه افزوده: الخزرجی، نزار

مبندی کد: ۱۳۹۵/۸۸/۴۵۹/DSV۹/۶۵

دهمبندی: ۹۵۶/۷۰۴۴۳

سال: ۱۳۹۵ - ۲۳۱ - ۴۳۷



زیر پوست جنگ

خاطرات صلاح عمر العلی، حامد الجبوری، نزار الخزرجی

گردآوری و آهنگ: وحید خضاب

ناشر: نارگل

بازبینی و تأیید محتوا: محمدعلی صمدی | استراحت: محمدجواد شادانلو

صفحه‌آرایی: علی عاشوری | طرح جلد: بهمن

نوبت انتشار: یکم؛ بهار ۱۳۹۶ | شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: افلاک | صحافی: محمد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۹۹-۱۳-۷ | قیمت: ۹۰۰۰ تومان

تلفن مرکز بخش: ۶۶۹۸۹۳۵۶ - ۶۶۹۸۹۳۶۰

www.nargolpub.ir

Instagram: @nargolpub | Telegram: @nargolpub

فهرست

- مقدمه [۹]
- بخش یکم [۱۵]
 - اشاره [۱۷]
 - روایت صلاح عمرالعلی [۱۹]
- بخش دوم [۳۷]
 - اشاره [۳۹]
 - روایت حامد علوان الجبوری [۴۳]
- بخش سوم [۸۱]
 - اشاره [۸۳]
 - روایت نزار الخزرجی [۸۵]
- پیوست‌ها [۱۱۷]
 - پیوست ۱: خاطراتی از برخورد امام با بعضی‌ها در نجف [۱۱۹]
 - پیوست ۲: متن کامل مذاکرات ابراهیم یزدی با صدام حسین در هاوان [۱۲۳]
 - اسناد و عکس‌ها [۱۳۹]
 - نمایه [۱۶۱]

مقدمه

«در این بنا، انجمنه، گاردگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، در دسترس است می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشان را برای آیندگان به ودیعه بگذارند. این دوره، دوره ذخیره نیروی محرکه تاریخ الهام‌بخش امم است.»

این یکی از ده‌ها جمله‌ای است که در تبریز فرزانۀ انقلاب درباره دفاع مقدس بیان کرده‌اند. این سوی خاکریز، در جبهه خدیجه، قدری گفتنی وجود دارد که به رغم تمام تلاش‌ها، گفته‌ها، نوشته‌ها و... به تعبیر ایشان (در سال ۱۳۷۴) هنوز «عشری از اعشار» آن به نگارش در نیامده و هزار سال کار، بسیار است. اما این جنگ، طرف دیگری هم داشته است؛ بهتر است بدانیم که در «آن سوی خاکریز» چه خبر بوده؟ جریان‌ات چگونه می‌گذشته و از آن مهم‌تر، «بات چطور دیده» می‌شده است؟ بعضی‌ها، که تخمیلگر این جنگ به ایران تلقی می‌بودند، خود چه نگاهی به مقدمات، سیر و تبعات این جنگ داشته‌اند؟

اهمیت فهم پاسخ این سؤالات (و سؤالات بسیار دیگر، از همین دست) برای خودنمایی می‌کند که متذکر باشیم، درک بسیاری از «شده‌ها» و «نشده‌ها»ی دفاع مقدس و چرایی این شدن‌ها و نشدن‌ها، جز با فهم آن‌چه در سوی دیگر در جریان بوده ممکن نخواهد بود، یا دست‌کم تصویر ما بدون فهم آن سوی ماجرا، تصویری ناقص خواهد بود.

فهم بخش دیگری از تاریخ دفاع مقدس (چه در ابعاد سیاسی، نظامی، انسانی و چه در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و...) هم با «مقایسه» عملکرد ایران و عراق، صحیح تر صورت خواهد گرفت. در کنار همه این‌ها، گفته‌های مسئولان بعثی که می‌توان بر روی برخی از آن‌ها نام «اعتراف» (ولو ناخواسته و نادانسته) گذاشت نیز، سهم انکارناپذیری در چیدمان صحیح جورچین تاریخ این برهه دارد. کتابی که پیش روی شما است، با توجه به همه این نکات، روایت سه نیروی سابق بعثی که مقامات بالایی سیاسی و نظامی داشته‌اند را از مقدمات، سیر سرنوشت جنگ ارائه می‌کند.

...

روایت یکم: «صلاح عمر العلی» اختصاص دارد. صلاح عمر العلی پس از اشغال عراق در زمانی که صدام متواری شده و هنوز دستگیر نشده بود، طی چندین قسمت در برنامه پربیننده و چالشی «شاهد علی العصر» (شاهد یک دوران) شبکه «الحیره» شرکت کرد و در پاسخ سؤالات مجری معروف این برنامه، به بیان خاطراتش پرداخت. روایت صلاح عمر العلی در این کتاب، ترجمه گفته‌های او درباره جنگ، ترجمه‌ای در برنامه شاهد علی العصر است. برنامه شاهد علی العصر، که هر ارابه سرازیری از شخصیت‌های تأثیرگذار جهان عرب رفته و طی چندین قسمت به گفتگو با آن‌ها درباره خاطراتشان می‌نشیند، به علت رویکرد بسیار چالشی مجری برنامه و همچنین سؤالات دقیق وی شناخته شده است. احمد منصور مجری این برنامه، پس از مصاحبه، با مدت‌ها مطالعه مستمر درباره مهمان برنامه و بررسی بایگانی‌های مختلف و همچنین کتب، اقوال مختلف درباره وی و همچنین دوره مورد بحث را جمع‌آوری و با استناد به آن‌ها سؤالات دقیق و بی‌پروا و فضایی چالشی خلق می‌کند. گفتنی است که تمام روایت صلاح عمر العلی که در این کتاب آمده، به همراه ترجمه‌ام از بخش‌های دیگری از روایت او (درباره تاریخ عراق و حزب

بعث و...) پیشتر در فروردین ماه ۱۳۹۴ در سایت مشرق نیوز منتشر شده است. روایت دوم، روایت «حامد علوان الجبوری» است. روایتی که مثل روایت صلاح عمر العلی، در چند قسمت از برنامه شاهد علی العصریان گردیده. ترجمه بخش‌هایی از این روایت حامد الجبوری نیز، در شماره چهارم نشریه «رمز عبور» منتشر شد. البته آن‌چه در این کتاب آمده، شامل ترجمه بخش‌های دیگری از همان گفت‌وگوی الجبوری است که در رمز عبور ترجمه نشده بود.

روایت سوم هم از زبان «نزار الخزرجی» آمده است. نزار الخزرجی روایت خود را در گفت‌وگوی بسیار مفصیلی با «غسان شربل» (روزنامه‌نگار مطرح جهان عرب) بیان کرده بود که «روزنامه الحیات» منتشر گردید. البته این گفت‌وگو به همراه سه گفت‌وگوی تفصیلی دیگر غسان شربل، در کتابی با عنوان «صدام مز من هنا»^۱ در سال ۲۰۱۰ منتشر گردید. ترجمه حاضر، از همان کتاب صورت گرفته است.^۲ بخش‌هایی از این روایت، در همان شماره نشریه رمز عبور منتشر شده بود، اما در متن موجود در این کتاب، بخش‌های زیاد دیگری از همان گفت‌وگو نیز ترجمه و به متن قبلی افزوده شده است.

در خاتمه کتاب نیز دو پیوست درج شده است. از آن‌ها که در روایت راویان و سخنان صدام، ادعاهایی درباره «راحتی» امام در میان دو دوران حکومت بعثی‌ها و به صورت تلویحی، رابطه حسنه ایشان با بعثی‌ها را می‌شاهد، لازم دیدم با نقل دو خاطره از روحانیون ایرانی که در آن زمان در نجف حاضر بودند، به عنوان «مشت نمونه خروار»، پاسخ‌گوی آن ادعا باشم، که پیوست اول به همین مسئله اختصاص دارد.

پیوست دوم هم مربوط به بخشی از خاطرات دکتر «ابراهیم یزدی» از دیدار با

۱. این عنوان به دو صورت «صدام این‌جا بود» و «صدام از این‌جا رد شد» ترجمه شده است.

۲. اطلاعات کامل کتاب به این شرح است:

العراق من حرب الى حرب، صدام مز من هنا، تألیف غسان شربل، انتشارات ریاض الیریس للکتاب والنشر، چاپ یکم، ژانویه ۲۰۱۰، بیروت.

صدام حسین در سال ۱۳۵۸ در هاوانا می‌باشد، که صورت جلسه دیدار نیز (که توسط یکی از اعضای تیم ایرانی نوشته شده) در آن درج شده است. با توجه به آن که بخشی از روایت صلاح عمرالعلی به آن دیدار و مقدمات و اتفاقات بعد از آن و عکس العمل صدام در حین دیدار و پس از آن اختصاص دارد، احساس کردم درج روایت طرف ایرانی نیز می‌تواند بر غنای کتاب بیفزاید. دکتر ابراهیم یزدی این متن را برای اولین بار در اختیار سایت «تاریخ ایرانی» قرار دادند و متن مندرج در این کتاب نیز از همان جا نقل شده است.

...

پیش روید به متن، تذکر چند نکته لازم می‌نماید:

اول این که تدوین است آن چه در این روایات (و یا در پیوست دوم از زبان صدام) آمده. «رومآ» بخشی بر واقعیت یا مورد تأیید قطعی مترجم و ناشر نیست و لزوم فهم روایت طرف مقابل حتی شناخت «ادعا»ها و «توجیه»های او بوده که باعث شده آن را ترجمه کنیم و بسند به این مقصود در کنار التزام اخلاقی به امانت داری، در پس ترجمه «کائن و بدون تحریف» آن قرار داشته است. تنها در بحث خلیج فارس، هر جا راوی از عبارت ناقص «خلیج» استفاده کرده، نقص و اشتباه فاحش و کودکانه او اصلاح، و عبارت «بحر» صیح، روشن و غیر قابل خدشه «خلیج فارس» درج شده است. ولی برای آن که اصل متن نیز حفظ شده باشد، عبارت غیر قابل خدشه «فارس»، در داخل [] ذکر گردیده است.

دوم این که اگر در حین خواندن متن به نظر می‌رسد برخی از سؤالات به هم مرتبط نیستند، یا آن که متن «ناگهان» شروع شده و یا «ناگهان» به اتمام رسیده است، باید توجه داشت که این ها، «بخش»هایی از مصاحبه های تفصیلی بوده اند که به جهت ارتباط شان با موضوع جنگ تحمیلی، در این جا در کنار هم ذکر شده اند و طبعاً پیش، پس، و یا در بین آن ها سؤالات دیگری هم وجود داشته که به دلیل مرتبط نبودن با موضوع کتاب، در این جا درج نشده اند.

سوم این که در سراسر این کتاب، همه آن چه داخل [] یا () و یا در پاورقی ها آمده، نوشته مترجم متن است و جزء گفته های پرسشگران یا راویان به حساب نمی آید، اما به جهت توضیح بیشتر درج شده اند و البته برای رعایت امانت، داخل [] یا () و یا پاورقی آمده اند تا با گفتار اصلی تداخل نیابند.

در انتها لازم می دانم از برادر علی اصغر بهمن نیا، مدیر نشر نارگل، به واسطه اعتمادشان به این بنده و قبول زحمت انتشار این کتاب تشکر کنم.

همچنین جا دارد از دلسوزی ها و زحمات برادر بزرگوار، آقای محمد علی صمدی، نیز قدردانی کنم که اگر ایشان نبودند، نه چنین ارتباطی شکل می گرفت و نه به این نقطه می رسید.

ضرورت دارد از برادر، حامد ملاحی عزیز نیز تشکر کنم که فکر انتشار ترجمه هایم به صورت کتاب را به من او هستم و مشاوره های برادرانه و گذشت هایش را فراموش نخواهم کرد، ان شاء الله.

هر چه گفتیم جز حکایت دوست

در همه عمر، از آن پشیمانیم

الحمد لله، اولاً و آخراً